

۱۳۸۰/۸/۱۶ داده شده است و بنده در مقام ورود مجدد به این چالش نیستم. امیدوارم با دقت بیشتر در مطالب تحلیلی ارائه شده، به همین سادگی فتوا به نسخ قانون و معطل گذاشتن قانون اساسی ندهید و راضی نشوید این سنت غیرحسنة از جناب عالی در مقام ریاست قوه قضاییه در تاریخ حقوقی مملکت بماند.

(۲) مطلب مهمی که به عنوان رییس جمهوری و مسؤول اجرای قانون اساسی نمی توانم از آن بی تفاوت بگذرم، تظلمات و گزارش های متعددی است که از سوی برخی از متهمان و دستگیرشدگان و خانواده های آنان به این جانب می رسد و اگر صحت داشته باشد، نقض آشکار اصولی از قانون اساسی و حقوق و آزادی های اساسی مردم است و رییس جمهوری نمی تواند در قبال آن بی تفاوت باشد. این گزارش ها به جناب عالی بعنوان مسؤول قوه قضاییه منعکس شده است، ولی متأسفانه نه تنها گزارشی از اقدامات قانونی لازم در جهت اصلاح امور و احقاق حقوق یا توضیح منطقی جهت رفع شبهه داده نشده، بلکه همواره ترجیح بند عدم صلاحیت رییس جمهوری و یا هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی برای پیگیری این امور تکرار شده است و معلوم نیست تکلیف رعایت حقوق اساسی مردم که این قدر در قانون اساسی بر آن تأکید شده چه می شود؟ آیا شگفت انگیز نیست که رییس جمهوری که به اتکاء آرای عظیم ملت و تنفیذ مقام رهبری، مسؤولیت بالاترین مقام رسمی کشور را پس از رهبری به عهده گرفته و سوگند یاد کرده پاسدار قانون اساسی و حامی آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است باشد و قانون اساسی او را مسؤول اجرای قانون اساسی دانسته و قانون مصوب مجلس به او تکلیف کرده است تا با نظارت، بازرسی و پیگیری و اخذ توضیح و اقدامات لازم و اخطار و تذکر به قوای دیگر و گزارش سالانه به مجلس در خصوص موارد توقف، عدم اجرا و نقض قانون اساسی، مسؤولیت خود را در اجرای قانون اساسی ایفا نماید، حق نداشته باشد از دستگاه قضایی در خصوص گزارش هایی که نسبت به عدم رعایت حقوق اساسی شناخته شده افراد در قانون اساسی متواتراً به او می رسد توضیح بخواهد؟!!

در نظامی که مدعی پیروی از مشی حکومتی امیرالمؤمنین امام علی (ع) است که پس

از شنیدن خبر بی‌احترامی و توهین و تزییع حقوق زن معاهد‌های فرمود اگر مسلمانی از شنیدن این خبر از غصه بمیرد سزاوار است، اگر رئیس‌جمهور بشنود مسلمانی یا شهروندی را به اتهامی بازداشت کرده و مآدها او را در سلول انفرادی نامناسب با تحقیر و توهین و احیاناً ضرب و شتم و محدودیت‌های مختلف نگاه داشته‌اند، یا زن مسلمانی را بدون رعایت ضوابط قانونی بازداشت و در پادگان نظامی بدون وجود زندانبان و حتی زندانی زن مدتی در سلول انفرادی نگاه داشته‌اند و مواردی نظیر آن که جای ذکر تفصیل آن‌ها نیست، آیا می‌تواند بی‌تفاوت باشد و حتی در مقام بررسی موضوع برنیاید و در صورت صحت، اصلاح این وضع را نخواهد؟

جناب آیه‌الله شاهرودی، ریاست محترم قوه قضاییه!، به حکم وظیفه قانونی، شرعی و انسانی، باز هم نه به‌عنوان رئیس قوه مجریه، بلکه به‌عنوان رئیس‌جمهوری و بالاترین مقام رسمی کشور پس از رهبری و مسؤؤل اجرای قانون اساسی تذکر می‌دهم که دستگاه قضایی تحت مسؤولیت خود را به سمت اجرای درست و دقیق قانون و رعایت حقوق اساسی مردم و متهمین هدایت فرمایید و ترتیبی اتخاذ فرمایید که طبق ماده ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست‌جمهوری، مصوب سال ۱۳۶۵ توضیحات کافی در خصوص موارد نقض قانون اساسی که به رئیس‌جمهوری گزارش می‌شود، داده شود. باز هم تأکید می‌کنم که امکان بازرسی هیأتی مشترک از سوی این‌جانب و جناب‌عالی از زندان و زندانیان مرقوم، فراهم گردد. اطمینان دارم اکثریت قضات فهیم و آگاه قوه قضاییه از این امر استقبال می‌کنند و راضی نیستند که استقلال قضایی آنان به مفهوم پاسخگو نبودن در برابر مراجع قانونی، عمل کردن خارج از رویه صحیح قانونی، بی‌توجهی به حقوق متهمین و به تعبیری دیکتاتوری قضایی معنا شود.

سیدمحمد خاتمی

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

رونوشت:

- هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

در مورد محکومیت خانم حقیقت‌جو نماینده مجلس

بسمه تعالی

شماره ۲۵۷۷۶

تاریخ ۱۳۸۰/۶/۲

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

گردشکار شماره ۱۱۲/۲۵۷۹۵ مورخ ۸۰/۵/۳۱ این دفتر و ضمایم آن (تصاویر پیوست) در خصوص اعلام حکم خانم حقیقت‌جو به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

با سپاس از شما.

اولاً: افراد باید دقت کنند که از موازین قانونی خارج نشوند. و مطالب نادرست و ناسنجیده را که می‌تواند مصداق تهمت و کذب و... باشد نگویند و اگر گفتند تبعات آن را نیز تحمل کنند. ثانیاً: به نظر می‌رسد حداقل دو مورد از موارد اتهامی مشمول اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی (اگر دقیق ذکر کرده باشم) و نهایت امر اگر نسبت نادرستی باشد طرف می‌تواند پاسخ بدهد که داده شد. و در مجلس هم قرائت شده است.

ثالثاً: وضع پیش آمده وضع درستی نیست کاش قوای مختلف می‌توانستند به راه کارهایی برسند که از این جنگ‌های تریبونی به تبادل نظر و احیاناً تفاهم برسند تا مسایل به این صورت پیش نیاید. با توجه به تذکرات و نیز گزارش کار آن‌چه

باید رییس جمهور طبق وظیفه‌ی قانونی خود انجام دهد به طور
دقیق مشخص و اعلام شود.»

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۲۶۵

تاریخ ۱۳۸۰/۶/۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به پی‌نوشت نامه شماره ۲۵۷۷۶ مورخ ۸۰/۶/۲، موضوع محکومیت خانم حقیقت‌جو در جلسه مورخ ۸۰/۶/۳ هیأت نظارت مطرح شد و حکم صادره و مطالب ایراد شده از سوی نامبرده در سخنرانی قزوین که نوار پیاده شده آن ضمیمه بود و نیز نطق قبل از دستور روز ۷۹/۱۲/۷ و اخطار آیین‌نامه‌ای روز ۷۹/۱۲/۱۰ مورد بررسی قرار گرفت.

در خصوص محکومیت خانم حقیقت‌جو در ارتباط با سخنرانی قزوین به اتهام توهین و تحریف سخنان امام و نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام، با این‌که در حکم صادره از سوی دادگاه و استدلال‌های آن خدشه‌هایی می‌توان وارد کرد و این احتیاج به خوبی احساس می‌شود که لازم است هر چه زودتر مفاد اصل ۱۶۸ قانون اساسی در خصوص جرایم سیاسی اجرا و محاکمه آن‌ها با حضور هیأت منصفه برگزار شود تا تلقی جرم بودن این نوع اعمال از سوی هیأت منصفه که قاعدتاً منعکس‌کننده درک و تلقی افکار اقدار مختلف جامعه هستند تشخیص و اعلام شود، به اجرا درآید. ولی به هر حال و در وضع فعلی به نظر نمی‌رسد مسأله‌ای باشد که از سوی ریاست جمهوری حکم صادره از سوی دادگاه مورد بررسی قرار گرفته و ایرادات آن اعلام شود. طبعاً محکوم علیها می‌تواند در مهلت قانونی تجدیدنظر خواهی کند و وکیل یا وکلای نامبرده با دقت کامل اشکالات محتوایی و شکلی و قانونی حکم را در لایحه اعتراضیه خود بیاورند و توجه دادگاه تجدیدنظر را به آن معطوف نمایند.

اما در خصوص محکومیت نامبرده به ایراد تهمت و افترا به لحاظ اظهاراتی که در مجلس داشته است به نظر می‌رسد در این خصوص چون در مقام ایفای وظایف

نماینده در مجلس مطالبی را اظهار داشته است، همان‌طور که در نظریه مشورتی این هیأت قبلاً خدمت حضرت عالی فرستاده شد، اطلاق اصل ۸۶ اقتضا می‌کند به این نوع اظهارات، وصف مجرمانه داده نشود و به این لحاظ نماینده تحت تعقیب قرار نگیرد و استدلال قاضی محترم که اطلاق اصل ۸۶ خلاف شرع است و طبق اصل ۴ قانون اساسی باید اطلاق آن مقید شود، اگر هم درست باشد، تشخیص آن طبق ذیل اصل ۴ در اختیار فقهای شورای نگهبان است و قاضی اختیار تقیید مطلقات و تخصیص عمومات قانون اساسی را ندارد. در عین حال به لحاظ این‌که موضوع نیاز به دقت و بحث بیشتری داشت به کمیسیون حقوقی هیأت ارجاع شد که بحث حقوقی و کارشناسی بیشتری روی آن انجام دهند و نظر خود را به هیأت اعلام دارند که متعاقباً نظر تفصیلی‌تر هیأت حضورتان تقدیم خواهد شد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بررسی وضعیت انتخابات مجلس هفتم در خصوص رد صلاحیت‌ها

بناام خدا

شماره ۵۷۰۶۴

تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۳

جناب آقای دکتر مهرپور

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشم‌زاده هریسی

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای شوشتری

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

جناب آقای تقدیسیان

با سلام

گزارش‌هایی می‌رسد که پاره‌ای از دستگاه‌ها در آرایه پاسخ و نظر خود نسبت به صلاحیت کاندیدها خارج از حدود اختیارات خود اقدام کرده‌اند. البته از نظر دور نداریم که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در جمهوری اسلامی همچون اسلامی بودن نظام از محکومات غیرقابل شبهه و تأویل است. بنابراین این حق مسلم را نه براساس حدس و گمان و برداشت‌های وهمی و سلیقه‌ای، بلکه تنها براساس مستندات محکم و یقینی و آن هم صرفاً در چارچوب موازین قانونی می‌توان از مردم بازستاند. لازم است این هیأت با دقت فراوان و فارغ از هرگونه جانبداری به امور رسیدگی و موارد را گزارش کند تا اگر تخلفی بود آنچه در حیطه اختیارات دولت است رأساً با آن برخورد شود و آنچه به دستگاه‌ها و قوای دیگر مربوط است از طریق مراجع ذی‌ربط پیگیری و طبقاً جلو بسیاری از شایعات نیز گرفته شود. ضمناً از هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی می‌خواهم با بررسی کامل در همه مراحل انتخابات دقت لازم را به عمل آورد و اگر مواردی از نقض و تخلف نسبت به قانون اساسی هست دقیقاً گزارش نماید تا پس از بررسی، عنداللزوم از اختیاراتی که (هنوز بحمدالله درحد محدودی) برای رئیس‌جمهوری نسبت به اجرای قانون اساسی هست استفاده شود.

سیدمحمد خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۵۸۱

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۶

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۵۷۰۶۴ مورخ ۸۲/۱۰/۱۳ و نامه شماره ۱۰۷۶۴-۸۲/م مورخ ۸۲/۱۰/۲۸ و برخی مکاتبات دیگر در زمینه انتخابات و شیوه رسیدگی و اظهار نظر در مورد صلاحیت‌های داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی دوره هفتم، موضوع از لحاظ قانونی و احیاناً اصطکاک آن با قانون اساسی در جلسات مختلف هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت، مکاتبات وزارت کشور در زمینه چگونگی رسیدگی به صلاحیت‌ها و نحوه پاسخ به استعلام‌ها و اعلام نظر هیأت‌های اجرایی و نظارت که به این هیأت ارجاع شده بود نیز ملاحظه شد و توضیحاتی هم در این زمینه گرفته شد. ذیلاً نکاتی که صرفاً از لحاظ حقوقی به نظر اعضاء هیأت رسیده است به عنوان نظریه مشورتی حقوقی در اختیار جناب عالی قرار داده می‌شود، البته همان‌طور که می‌دانید هنوز شورای نگهبان نتیجه نهایی رسیدگی به اعتراض رد صلاحیت شده‌ها را اعلام نکرده است و امید است با رسیدگی دقیق و قانونی همان‌گونه که بارها عنوان شده تا روز دهم بهمن ماه سال جاری تصمیم قانونی و منطقی خود را اعلام دارند.

از سوی دیگر لازم به یادآوری است که این هیأت نمی‌تواند در ارتباط با موارد خاص نسبت به رد صلاحیت‌ها از سوی هیأت‌های اجرایی یا هیأت‌های نظارت اظهار نظر نماید. زیرا از یک سو هنوز کار رسیدگی نهایی به اعتراضات پایان نیافته و از سوی دیگر علی‌رغم این‌که برحسب شکایت بعضی از داوطلبان و برخی مکاتبات وزارت کشور اطلاع مختصری از نحوه رسیدگی به صلاحیت‌ها به هیأت عنوان شده ولی اصولاً صورت جلسات و مبانی تصمیم‌گیری‌ها در اختیار این هیأت نیست تا بتواند به صورت

صغروی اظهار نظر کند، ضمن این که شأن هیأت نیز رسیدگی به این امور و اظهار نظر موردی نیست. بنابراین آنچه در ذیل می آید نظرات مشورتی حقوقی هیأت در رابطه با مقررات قانونی انتخابات و روندی که به صورت کلی هیأت از آن اطلاع یافته می باشد:

۱- بدون تردید شرکت در انتخابات چه به صورت مشارکت در رأی دادن و چه به صورت کاندیدا شدن و در معرض رأی مردم قرار گرفتن از حقوق شناخته شده مردم ایران در قانون اساسی است که اصول متعددی از قانون اساسی از جمله اصل ۲ بند ۸، اصل ۶، اصل ۷ و اصل ۵۶ با صراحت بر آن تأکید دارند در ذیل اصل ۶۲ قانون اساسی تعیین شرایط برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان طبق قانون به رسمیت شناخته شده است و بنابراین قانون عادی می تواند شرایطی را برای انتخاب شوندگان (داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی) و نیز انتخاب کنندگان و رأی دهندگان در این انتخابات را تعیین نماید، کیفیت برگزاری انتخابات نیز طبق همان اصل به موجب قانون تعیین می شود. نظارت بر انتخابات مختلف از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی یعنی مراقبت بر انجام صحیح و قانونی انتخابات نیز به نص اصل ۹۹ قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است.

طبق ماده ۲۵ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۷۸/۹/۷ که با برخی اصلاحات وارده بر آن قانون لازم الاجرا برای انتخابات است وزارت کشور مأمور اجرای انتخابات مجلس شورای اسلامی بوده و مسؤول حسن جریان انتخابات است. امور اجرایی انتخابات از ثبت نام و رسیدگی به صلاحیت ها و تعیین و تشکیل شعب اخذ رأی و رأی گیری و شمارش آراء و اعلام نتایج به وسیله هیأت های اجرایی که به ریاست فرماندار یا بخش دار حوزه انتخابیه طبق ضوابط قانونی تشکیل می شود صورت می گیرد و طبق ماده ۴۲ قانون انتخابات: «هیأت های اجرایی انتخابات، مسؤول صحت جریان انتخابات در حوزه انتخابیه خود می باشد.»

مطابق ماده ۳ قانون انتخابات، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان می باشد. این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات می باشد و قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای

اسلامی مصوب ۶۵/۵/۹ با الحاقات بعدی و مقررات قانون انتخابات و برخی قوانین دیگر نحوه اعمال این نظارت را بیان کرده است.

۲- یکی از وظایف مهم هیأت‌های اجرایی انتخابات، بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی است، که به تعبیر ماده ۵۰ قانون انتخابات باید با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی‌های لازم در محل و با استفاده از نتایج اعلام شده توسط وزارت کشور در رابطه با صلاحیت‌های مذکور در قانون انتخابات و وضعیت داوطلبان را بررسی نموده و اعلام نظر نمایند. طبق تبصره همان ماده اگر نظر هیأت اجرایی بر رد صلاحیت داوطلبین بوده، باید این رد مستند به قانون و براساس مدارک و اسناد معتبر باشد. داوطلبان رد صلاحیت شده می‌توانند به هیأت‌های نظارت شورای نگهبان استان شکایت کنند که در این خصوص تجدیدنظر نماید و اگر نظر هیأت نظارت استان نیز با کسب نظر هیأت مرکزی نظارت، رد صلاحیت بود، داوطلب می‌تواند از این نظر به خود شورای نگهبان اعتراض نماید (مفاد مواد و تبصره‌های ۵۱ و ۵۲ قانون انتخابات) که به عنوان مرجع نهایی رسیدگی نموده و نظر مستدل و منطقی خود را ابراز دارد تا اطمینان حاصل شود که حقی تضییع نشده و خلاف قانون صورت نگرفته است. البته چون طبق قانون انتخابات و قانون نظارت، شورای نگهبان، ناظری مؤثر و تصمیم‌گیر است علاوه بر روند عادی فوق‌الذکر که اقتضای طبع اولیه اجرا و نظارت است، اگر در اعلام صلاحیت نیز شورای نگهبان (هیأت نظارت استان، هیأت مرکزی نظارت) پی بردند که خلاف قانون صورت گرفته است مثلاً فردی که طبق شناسنامه کمتر از سی سال دارد ثبت نام کرد، یا کسی که فاقد تابعیت جمهوری اسلامی ایران است، یا فرد خارجی است که کسب تابعیت ایران را نموده ولی طبق بند ۴ ماده ۹۸۲ قانون مدنی حق عضویت در مجلس شورای اسلامی را ندارد داوطلب نمایندگی شده و امثال آنها و هیأت اجرایی عمداً یا در اثر غفلت و بی‌توجهی، نامبرده را جزء واجدین صلاحیت اعلام نموده، به حکم وظیفه نظارتی می‌تواند بر این روند اعتراض کند و چون برخلاف نظارت ناظر بر متولی و وصی، در حقوق خصوصاً، در این‌جا، نظارت مؤثر و تصمیم‌گیر است، می‌تواند صلاحیت آنها را رد کند (مستفاد از ذیل ماده ۵۲ و

تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ ماده مزبور).

ولی نکته قابل توجه این است که موضع و موقع شورای نگهبان (با هیأت‌های نظارتی خود) موضع نظارت است هر چند این نظارت استصوابی و مؤثر و تصمیم‌گیر باشد نه اجرا، هر چند مقررات مختلف قانون انتخابات و نظارت به تدریج پای نظارت را به گونه‌ای به تصمیم‌گیری‌هایی اجرایی یا مشارکت در آن کشانده است ولی به هر صورت جایگاه اصلی شورای نگهبان که در قانون اساسی و قوانین عادی آمده جایگاه نظارت است و طبع نظارت اولاً و بالذات اقتضا نداد که ناظر خود وارد مسایل اجرایی شود، از جمله در مورد صلاحیت‌ها. هر چند اگر شورای نگهبان ملتفت شد که حتی در تعیین صلاحیت نیز خلاف قانون عمل شده می‌تواند آن را رد کند ولی به این نکته ظریف باید توجه داشت که دغدغه اولیه این بوده که ممکن است دستگاه اجرایی موجب تضییع حق برخی از داوطلبان شده و بدون توجیه صحیح و قانونی کسی را از داوطلب شدن منع کند و شورای نگهبان به عنوان ناظر بی‌طرف، مرجع رسیدگی به تظلم و تجدید نظرخواهی این افراد باشد، مقام ناظر قاعدتاً وظیفه‌ای ندارد که ابتدا به ساکن تشکیلاتی راه انداخته و برای بررسی و احراز صلاحیت‌ها خود و عواملش را بسیج نماید و در واقع به عنوان مجری و یا مدعی مجری اقدام نماید، به نظرم توجه به این نکته ظریف و طبع نظارت و جایگاه آن اگر بشود برخی از این مشکلات پیش آمده مرتفع خواهد شد. هم اکنون به نظر می‌رسد شورای نگهبان در مقام نظارت برای خویش رسالتی شاید بیش از حد اجرا خصوصاً در رابطه با احراز صلاحیت‌ها قائل است که بعید به نظر می‌رسد مقصود قانون‌گذار اساسی و مفهوم از نظارت این باشد.

۳- قانون انتخابات در مواد ۲۸، ۲۹ و ۳۰ شرایط لازم ایجابی یا سلبی مربوط به انتخاب شونده‌گان را که هیأت‌های اجرایی در مقام بررسی صلاحیت داوطلبان باید به آن‌ها توجه کنند و به تبع آن‌ها شورای نگهبان و هیأت‌های نظارت باید بر حسن اجرای آن نظارت نمایند برشمرده است. در رابطه با این شرایط چند نکته قابل ذکر است.

الف - ماده ۲۹ عده‌ای از مقامات را به لحاظ داشتن مشاغل و مناصب خاص از داوطلب شدن در سراسر کشور یا برخی از حوزه‌های انتخابیه ممنوع می‌نماید، مگر

این‌که در فرصت پیش‌بینی شده در قانون استعفا داده و قبولی استعفاء خود را نیز ارایه دهند که این یک امر شکلی و قابل احراز و اثبات است و مشکلی علی‌القاعده ایجاد نمی‌کند. ب - ماده ۳۰ عوامل محرومیت از داوطلب شدن یا شرایط سلبی را ذکر کرده است. عوامل محرومیت از کاندیدا شدن که در ماده ۳۰ آمده دو دسته است: یک دسته اموری که نیاز به صدور حکم از مرجع قضایی و تحقق عنوان محکومیت دارند و دسته دیگر اموری که به صورت عرفی و یا به گونه‌ای قانونی باید احراز شود ولی نیاز به حکم دادگاه ندارد. دسته اول - بندهای ۴، ۵، ۷ و ۱۱ ماده مزبور است. یعنی کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران یا ارتداد یا حدود شرعی یا حجر و یا شمول اصل ۴۹ قانون اساسی یا خیانت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا و غصب اموال دیگران و سوء استفاده مالی، محکوم شده‌اند نمی‌توانند داوطلب انتخابات شوند. توجه به این نکته ضروری است که مرجع رسیدگی کننده به صلاحیت داوطلبان باید حکم محکومیت صادره از دادگاه صالح را که قاعدتاً باید قطعی هم شده باشد برای رد صلاحیت داوطلب به استناد این بندها در دست داشته باشد. صرف طرح اتهام و داشتن پرونده در مرجع قضایی به اتهامات مزبور و یا عدم صدور حکم نمی‌تواند مبنای رد صلاحیت از این حیث قرار گیرد. ولی ظاهراً میزان محکومیت هر مقدار باشد در این رابطه فرقی نمی‌کند.

علاوه بر این طبق ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی هر کس به موجب ارتکاب جرم عمدی محکومیت قطعی به قطع عضو، شلاق یا حبس تعزیری بیش از سه سال پیدا کرده باشد برای مدتی، خود به خود از حقوق اجتماعی که از جمله آن‌ها حق انتخاب شدن در مجلس شورای اسلامی است محروم می‌شود.

توجه به این نکته از این جهت حائز اهمیت است که حسب اعلام وزارت کشور برخی از پاسخ استعلام‌ها صرفاً حکایت از طرح اتهام، مطرح بودن پرونده یا متهم و یا محکوم بودن فرد به قتل غیرعمدی و نظایر آن‌ها دارد که بر ما روشن نیست به همین عنوان کسانی رد صلاحیت شده‌اند یا خیر، اگر چنین شده باشد طبعاً مطابق قانون عمل نشده و لابد مرجع تجدیدنظر که هم اکنون خود شورای نگهبان است این جهت را موردنظر قرار خواهد داد.

دسته دوم - بندهای ۱، ۲، ۳، ۶، ۸ و ۱۰ ماده ۳۰ می‌باشد، که نیاز به صدور حکم محکومیت از دادگاه ندارد ولی باید عناوین ذکر شده در آن بندها با ملاک‌های عرفی یا مدارک موجود در دستگاه‌های ذی صلاح مربوطه ثابت شود و در مورد بند ۳ حتماً باید غیرقانونی بودن حزب، سازمان و یا گروه از سوی مقام مربوط صالح اعلام شده باشد تا بتوان فردی را به اعتبار وابستگی یا هواداری از آن رد صلاحیت کرد.

ج - ماده ۲۸ شرایط ایجابی یا اثباتی را برای داوطلبان ذکر کرده است، یعنی داوطلب نمایندگی هنگام ثبت نام باید دارای این شرایط باشد و طبعاً کسی که این شرایط را ندارد از داوطلب شدن محروم است و به عبارتی صلاحیت او رد می‌شود چون در قانون به دارا بودن این شرایط تعبیر شده است. گفته می‌شود وجود این شرایط باید احراز و یا اثبات شود.

شرایط مذکور در ماده ۲۸ را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: شرایطی که جنبه حسی دارد و می‌توان به نحو ملموس وجود یا عدم آن‌ها را تشخیص داد و بنابراین احراز آن‌ها با مشکلی برخورد نمی‌کند، این شرایط عبارتند از: بندهای ۱، ۲، ۴، ۶ و ۷ که به راحتی می‌تواند با مطالبه مدرک شناسنامه و مدرک تحصیلی و یا مشاهده داوطلب و عنداللزوم آزمایش پزشکی، تابعیت، سن، مدرک فوق دیپلم و سلامت جسمی را احراز کرد. بند ۵ یعنی نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه را نیز می‌توان در این ردیف قرار داد چرا که سوء شهرت در محل اگر وجود داشته باشد می‌توان گفت به راحتی قابل تشخیص است.

در مورد بند ۲ یعنی شرط تابعیت ایران باید توجه داشت که برخلاف داوطلبان ریاست جمهوری که طبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی باید ایرانی‌الاصل باشند، در مورد کاندیداهای مجلس شورای اسلامی، ایرانی‌الاصل بودن شرط نشده است بلکه داشتن تابعیت جمهوری اسلامی ایران شرط است. بنابراین، اگر کسی تابعیت ایران را نداشته و تبعه کشور خارجی باشد و یا فردی که تابعیت خارجی را داشته، و تابعیت ایران را کسب کرده باشد طبق بند ۲ ماده ۲۸ قانون انتخابات و بند ۴ ماده ۹۸۲ اصلاحی قانون مدنی، نمی‌تواند داوطلب نمایندگی مجلس شورای اسلامی شود.

به هر صورت بند ۳ ماده ۲۸ نیز به گونه‌ای که در قانون بیان شده قاعداً در همین دسته اول می‌گنجد زیرا در بند مزبور تعبیر: «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه آمده است»، بنابراین اگر کسی وفاداری خود را ابراز کرد که ظهور اولیه ابراز نیز همان بیان وفاداری است می‌توان وجود این شرط را احراز کرد البته اگر به گونه دیگری معنی شود طبعاً احراز آن مشکل بوده و در دسته دوم قرار می‌گیرد. دسته دوم: شرایطی که ملموس و حسی نیست و با مدرک و سند نمی‌توان آن را احراز کرد و آن عبارت بند ۱ ماده ۲۸ قانون انتخابات یعنی اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است، یعنی داوطلب نمایندگی باید هم معتقد به اسلام و هم معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد و هم عملاً به احکام اسلام و نظام جمهوری اسلامی ملتزم باشد و چون این شرط اثباتی است باید وجود آن برای مرجع تصمیم گیرنده ثابت شود تا صلاحیت او را تأیید کند وگرنه صلاحیت او تأیید نخواهد شد.

بسیاری از داوطلبان نمایندگی در دوره‌های مختلف و از جمله این دوره به خاطر نداشتن این شرط یا این شرایط یا محرز نشدن وجود این شرایط در آن‌ها برای مقام رسیدگی کننده رد صلاحیت شده‌اند و از داوطلبی در انتخابات محروم گردیده‌اند. و بیشترین اشکال و بحث در مورد این بند هست به خصوص وقتی دیده می‌شود افراد ظاهرالصلاحی به استناد فقدان این شرط رد صلاحیت شده‌اند. داوطلب نمایندگی چگونه و با چه مدرکی میتواند اعتقاد و باور خود را به اسلام و نظام جمهوری اسلامی اثبات و نیز التزام عملی خود را اثبات کند و مرجع رسیدگی کننده نیز با وجود دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف چگونه می‌تواند وجود این شرایط را احراز نماید؟

اگر فرض را بر این بگذاریم که قانون‌گذار حکیم است و کار عبث نمی‌کند قاعداً باید بند ۱ ماده ۲۸ قانون انتخابات را با این دید ملاحظه کنیم که اولاً عصمت و عدالت در داوطلب نمایندگی شرط نشده است و ثانیاً وجود اعتقاد و التزام عملی به اسلام را بر مبنای اصل صحت و حمل فعل مسلم بر صحت و پذیرش عرفی و حد متعارف مقبول در جامعه معنا کنیم. با این ترتیب اگر در موردی از اظهارات شخصی و یا رفتار و اعمال

آشکار او به روشنی به گونه‌ای که عرف آن را بپذیرد ناباوری و یا عدم التزام عملی او محرز شد، رد صلاحیت شود و گرنه با الهام از آیه شریفه: *ولا تقولوا لمن القی الیکم السلام لست مؤمنا* (آیه ۹۴ سوره نسا) اصل بر صحت و صلاحیت قرار داده شود. اگر شورای محترم نگهبان با این دید که به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری نیز در بیانات خود در دیدار با اعضا آن شورا، آن را ارایه کردند به مسأله برخورد نمایند و در رسیدگی به اعتراضات آن را ملاک رسیدگی خویش قرار دهند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد، ضمن این‌که برای مشارکت مردم و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری و انتخاب کاندیداهای صالح معنی و مفهومی وجود خواهد داشت و گرنه تنگ کردن دایره انتخاب مردمی با تأکید بر مفهوم مدرسه‌ای احراز شرط اعتقاد و التزام که تشخیص و میزان درجه آن نیز چون مبنای معمولی ندارد خواهی نخواهی مبتنی بر دیدگاه گروهی محدود (هر چند نخبه و فرهیخته) می‌شود و به حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود لطمه وارد می‌کند.

۴- در مورد داوطلبان دوره هفتم نمایندگی مجلس شورای اسلامی که تعداد قابل توجهی از آن‌ها توسط هیأت‌های اجرایی و یا هیأت‌های نظارت شورای نگهبان و بیشتر توسط هیأت‌های نظارت به عناوین گوناگون رد صلاحیت شده‌اند همان‌طور که قبلاً ذکر شد، چون مستندات رد صلاحیت در اختیار این هیأت نیست طبعاً نمی‌توان مورد به مورد اظهار نظر کرد ولی برخی از موارد که از سوی وزارت کشور یا از طریق شکایت برخی از داوطلبان به این هیأت اعلام شده به نظر می‌رسد که رد صلاحیت اشکال قانونی داشته باشد. مثلاً در یک مورد نماینده فعلی مجلس تصمیم هیأت اجرایی به رد صلاحیت خویش را ارسال داشته که در آن آمده به استناد بند ۱ ماده ۲۸ به علت امضاء نامه ۱۲۷ نفری و نطق بیش از دستور مورخ..... در مجلس شورای اسلامی صلاحیت شما رد شده است.

این در حالی است که اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی صریحاً نمایندگان را در اظهار نظر در مسایل داخلی و خارجی آزاد و فارغ از هرگونه تعقیب و توقیف می‌داند. اگر اظهارات نماینده‌ای در نطق پیش از دستور مجلس مبنای رد صلاحیت او قرار گیرد

چگونه می‌توان آزادی اظهار نظر نماینده و اجرای اصل ۸۶ قانون اساسی را تضمین کرد، حتماً شورای نگهبان در مقام رسیدگی تجدیدنظر این جهات را مورد نظر قرار خواهد داد. در پاسخ‌های استعلام مربوط به برخی از داوطلبان و از جمله نمایندگان فعلی نیز مطالبی عنوان شده که اگر مبنای رد صلاحیت قرار گرفته باشد حتماً مشکل قانونی خواهد داشت.

به هر حال، اگر اجرای صحیح قانون که این روزها همواره از زبان همه دست اندرکاران انتخابات شنیده می‌شود به راستی مورد نظر باشد لازم است قبل از فوت فرصت مدارک و دلایل رد صلاحیت به درخواست داوطلب در اختیار او قرار گیرد و اگر مواردی لازم است کمیسیون بند ۱ ماده واحده مصوبه ۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نظر دهد کمیسیون مزبور تشکیل شود تا داوطلب با اطلاع دقیق از مدارک و دلایل و مستندات رد صلاحیت خود بتواند توضیحات لازم را بدهد و از خود دفاع کند.

بسیاری از داوطلبان صرفاً با عنوان عدم احراز، در وضعیت رد صلاحیت قرار گرفته‌اند. ظاهراً امروزه پذیرفته شده که محروم کردن شهروندی که به هر حال شرکت در انتخابات و داوطلب شدن را حق قانونی خود می‌داند از داوطلب شدن به لحاظ این که مرجع رسیدگی کننده نتوانسته یا فرصت نکرده صلاحیت او را احراز کند، هیچ محمل قانونی ندارد و با هیچ معیار عرفی و شرعی قابل پذیرش نیست. طبیعتاً در مقام تجدیدنظر اگر دلایل رد صلاحیت وجود داشت رد می‌شوند و گرنه باید جزء تأییدشدگان قرار گیرند.

جناب آقای رییس‌جمهور، مطالب فوق بیان اجمالی و کلی در مورد روند رسیدگی به صلاحیت‌ها در مورد انتخابات بود که خدمتتان ارایه شد اگر موارد خاصی موردنظرتان هست که در صلاحیت اظهار نظر این هیأت باشد ارجاع فرمایید.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۶۷۸۸۱

تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰

جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام و نوشت نامه شماره ۱۷۱۲/ن.ل مورخ ۸۲/۱۲/۶ نماینده محترم شهرستان لنجان در مجلس شورای اسلامی در خصوص درخواست اعلام دلایل و مدارک رد صلاحیت ایشان از سوی شورای نگهبان (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

قطعاً موارد دیگری هم بوده است دست کم عدم اقدام

شورای محترم نگهبان.»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۶۳۲

تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۶

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۶۷۸۸۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ در ارتباط با شکایت برخی از نامزدهای رد صلاحیت شده از عدم اعلام دلایل و مدارک مربوط به عدم صلاحیت آن‌ها از سوی شورای نگهبان، حسب ارجاع جناب عالی موضوع در هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر مشورتی هیأت به شرح زیر اعلام می‌گردد:

اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را که در این جا به مفهوم نظام حکومتی است موظف کرده است همه امکانات خود را برای امور مقرر در بندهای ۱۶ گانه آن اصل به کار برد. بند ۷ اصل مزبور عبارت است از: «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و بند ۸: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» را بیان می‌کند.

بدون تردید یکی از مصادیق بارز مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی خویش، مشارکت در امر انتخابات است که به صورت رأی دادن و حق آزاد انتخاب کردن یا نامزد شدن و در معرض آرای مردم قرار گرفتن می‌باشد. هرگونه اقدامی برای محروم کردن یا محدود کردن آحاد مردم از نامزد شدن برای انتخابات و یا امکان آزادی انتخابات خارج از محدوده مقرر قانونی طبعاً ناقض این دو بند از اصل سوم قانون اساسی و نیز در تعارض با اصل ۵۶ قانون اساسی که به روشنی مقرر می‌دارد خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از او سلب کند و اصل ۶ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات...» می‌باشد.

در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی ذیل اصل ۶۲، مقرر شده که «شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و کیفیت انتخابات را قانون معین می‌کند» بنابراین طبق اصل مزبور کسانی که طبق قانون واجد شرایط انتخاب شدن و انتخاب کردن هستند حسب مورد می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند. قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی به عمل آمده در آن شرایط انتخاب شوندهگان را در مواد ۲۸، ۲۹ و ۳۰ بیان کرده است، همان قانون و قانون مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون نظارت شورای نگهبان مصوب ۶۵/۵/۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی مرجع و نحوه رسیدگی به این شرایط را ذکر کرده است و هرگونه تصمیم‌گیری در مورد جلوگیری از شرکت برخی از افراد در انتخابات باید منطبق بر مواد قانونی و شیوه آرایه شده در قانون باشد.

طبق اصل ۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات و از جمله انتخابات مجلس شورای اسلامی به عهده شورای نگهبان است. هم منطق حقوقی و هم رویه عملی اقتضا می‌کند که نحوه اعمال نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نیز باید در محدوده قوانین مصوب و موضوعه کشوری باشد و لذا در نخستین انتخابات مجلس که مجال اعمال نظارت شورای نگهبان پیدا شد یعنی انتخابات میان دوره‌ای سال ۱۳۶۰ (پس از واقعه اسفبار هفتم تیر ۱۳۶۰) با تصویب قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی کمیسیون امور داخلی مجلس، شورای نگهبان نظارت خود را اعمال نمود. (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۹ صفحه ۵۴۵)

و در زمینه صلاحیت داوطلبان نیز وقتی برخی سران حزب توده نامزد انتخابات شدند و به لحاظ نبودن مقررات روشن و صریحی رد صلاحیت نشدند، شورای نگهبان با استناد روشن و قابل فهم به اصل ۶۷ قانون اساسی طی نامه مورخ ۶۰/۴/۲۸ به وزارت کشور، صلاحیت آن‌ها را به شرح ذیل غیرقانونی اعلام کرد.

«وزارت کشور

در مورد صلاحیت نامزدهای نمایندگی مجلس شورای اسلامی چون در ضمن آن‌ها افرادی را مثل آقایان احسان طبری و نورالدین کیانوری که مشهور به داشتن عقاید مارکسیستی و ضداسلامی می‌باشند اعلام کرده‌اند، لازم به تذکر است که این موضوع

در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و بدین شرح اعلام نظر شد: «آنچه از قانون اساسی مخصوصاً اصل ۶۷ در مورد سوگند به خداوند متعال و پاسداری از حریم اسلام و مفهوم اصل ۶۴ استفاده می‌شود، فقط کسانی صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی را دارند که یا مسلمان و متعهد به مبانی اسلام و یا از اقلیت‌های مذکور در اصل ۶۴ باشند» بنابراین دستور دهید اسامی این گونه افراد را از لیست نامزدها حذف و به اطلاع عموم برسانند...» (از کتاب: مجموعه نظریات شورای نگهبان از: حسین مهرپور جلد سوم صفحه ۶۷)

هم، در این قانون که موقت و آزمایشی بود و هم در قانون نظارت شورای نگهبان مورخ ۶۵/۵/۹ تصریح شده که هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر کلیه مراحل و جریان‌های انتخاباتی و از جمله تشخیص صلاحیت نامزدهای نمایندگی نظارت خواهد کرد (ماده ۳ قانون مزبور و به نحو کلی و مؤکد با ذکر عنوان استصوابی ماده ۳ قانون انتخابات مصوب سال ۱۳۷۸)

تشخیص صلاحیت داوطلبان نمایندگی یعنی اعلام این که شرایط مقرر قانونی را دارا هستند مانند دیگر کارهای اجرایی انتخابات به عهده هیأت اجرایی است و شورای نگهبان بر صحت اعمال قانون در این امر هم مانند امور دیگر نظارت دارد و در صورت مشاهده تخلف به نحو مقرر در قانون می‌تواند تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید. قانون انتخابات در ارتباط با اعمال نظارت مؤثر برای شورای نگهبان در این زمینه پیش‌بینی کرده است که داوطلب رد صلاحیت شده می‌تواند از عدم تأیید صلاحیت خود به هیأت نظارت استان شورای نگهبان شکایت نماید (تبصره ماده ۵۱ قانون انتخابات) همچنین پس از کشمکش و چالش‌هایی که وجود داشت بالاخره در قانون انتخابات تصریح شد که هیأت‌های نظارت استان و بالمآل هیأت مرکزی نظارت، نسبت به کسانی که صلاحیتشان در هیأت اجرایی تأیید شده نیز رسیدگی و اگر آن را خلاف قانون دیدند رد کنند. (تبصره ۳ ماده ۵۲ همان قانون)

در هر حال تبصره ذیل ماده ۵۰ قانون انتخابات تصریح می‌کند: «رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد.» هر چند این تبصره ذیل ماده ۵۰ و مربوط به تصمیمات هیأت اجرایی

است که اولاً و بالذات وظیفه تشخیص صلاحیت را به عهده دارد ولی طبقاً حکم آن شامل تصمیمات هیأت نظارت شورای نگهبان بر رد صلاحیت نیز خواهد شد.

قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به نحو روشن‌تر و گویاتر لزوم مستدل و مستند بودن رد صلاحیت و اعلام آن به داوطلب را بیان می‌کند. ماده واحده مزبور مقرر می‌دارد: «به موجب این قانون کلیه مراجع رسیدگی کننده صلاحیت داوطلبان در انتخابات مختلف موظفند صرفاً براساس مواد قانونی و براساس دلایل و مدارک معتبر که توسط مراکز مسؤول قانونی به مراجع اجرایی و نظارتی ارسال شده است به بررسی صلاحیت داوطلبان بپردازند و چنانچه صلاحیت داوطلبی را رد کردند باید علت رد صلاحیتش را به شرح زیر با ذکر مواد قانونی مورد استناد و دلایل مربوط به داوطلب ابلاغ نمایند:

۱- مستندات قانونی باید به صورت کتبی به داوطلب اعلام گردد.

۲- در صورت درخواست داوطلب باید دلایل و مدارک رد صلاحیت نیز توسط مرجع

رسیدگی کننده به ترتیب زیر به اطلاع وی برسد...»

ماده ۴۸ قانون انتخابات نیز مراجع مسؤولی که موظفند سوابق داوطلبان را در رابطه با صلاحیت‌های مذکور در قانون مزبور بررسی و نتیجه را با دلیل و سند به وزارت کشور و شورای نگهبان اعلام نمایند، وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت احوال کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل تعیین کرده است.

کسانی که صلاحیت آن‌ها، طبق مقررات مواد قانونی یاد شده مورد تأیید قرار نگرفته و رد شده است و حسب تکلیف قانونی هم مستند قانونی و هم دلایل و مدارک رد صلاحیت به آن‌ها ابلاغ شده است طبق تبصره ماده ۵۱ و تبصره ۳ ماده ۵۲ قانون انتخابات و تبصره ۳ ماده واحده قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده می‌توانند از تصمیم اتخاذ شده در موارد مقرر قانونی شکایت نمایند و دلایل خود را مبنی بر بطلان رد صلاحیت اعلام دارند و هرگونه توضیح و دفاعی دارند بیان کنند تا مرجع تجدیدنظر با ملاحظه و مذاقه در آن تصمیم لازم و طبقاً مستدل بر نقض یا ابرام تصمیم مرجع قبلی (حسب مورد هیأت اجرایی - هیأت مرکزی نظارت، خود

شورای نگهبان) اتخاذ و اعلام نماید.

بدهت عقلی و تکلیف قانونی حکم می‌کند که همراه با اعلام رد صلاحیت داوطلب مستند قانونی و دلایل و مدارک رد صلاحیت نیز به او اعلام شود تا بتواند در مقام اعتراض دفاعیات خود را بیان کند و اگر تصمیم را درست نمی‌داند بر ردّ مبانی و دلایل آن استدلال کند، اگر دلایل و مدارک ردّ صلاحیت در اختیار داوطلب قرار نگیرد، دادن حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی به او امر عبث و بی‌فایده‌ای خواهد بود، چرا که بدون اطلاع از دلایل و مدارک نمی‌تواند بر ردّ تصمیم اتخاذ شده استدلال کند. شق الف بند ۲ ماده واحده قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین ردّ صلاحیت شده نیز تکلیف کرده است که در کلیه موارد به استثنای بندهای ب، ج، د دلایل و مدارک باید کتباً به اطلاع داوطلب برسد.

بندهای ب و ج نیز که راجع به مسایل مربوط به عفت عمومی و هتک حیثیت دیگران است بالاخره ترتیبی را برای مطلع کردن داوطلب به صورت شفاهی و حضوری یا کتبی فی‌المجلس مقرر کرده است.

بند د مربوط به امنیت ملی است که اعلام دلایل و مدارک و نحوه اعلام آن موکول به تشخیص کمیسیون مرکب از: رئیس ستاد فرماندهی کل قوا، وزیر اطلاعات و وزیر کشور شده است. که به هر حال اگر چنین موردی هم وجود داشت حتماً باید این کمیسیون تشکیل شود و به نحو مقتضی دلایل و مدارک را به داوطلب معترض اعلام نماید. این معقول نیست که فردی را از یک حق مسلم شهروندی و قانونی محروم کرد به استناد ارتکاب امری که چون خلاف امنیت ملی است حتی خود مرتکب نیز که از حقی محروم شده است نتواند از آن اطلاع پیدا کند و عنداللزوم از خود دفاع نماید و توضیح دهد.

جناب آقای رئیس‌جمهور نامه‌هایی از داوطلبان ردّ صلاحیت شده به جناب عالی و هیأت رسیده و در این روزها از تریبون مجلس نیز از زبان برخی از نمایندگان فعلی ردّ صلاحیت شده شنیده شده که با وجود درخواست آن‌ها نه در موعد مقرر برای اعتراض و نه بعد از آن دلایل و مدارک ردّ صلاحیت را به آن‌ها اعلام نکردند و اغلب تنها به بیان مستند قانونی مثلاً به استناد بند ۱ و ۳ ماده ۲۸ و یا بند ۳ ماده ۳۰ و... اکتفا شده است.

اگر این ادعاها درست باشد، معنایش این است که جمعی از آحاد ملت از حق مسلم شرکت در انتخابات به عنوان کاندیدا و یا برای رأی دادن به نمایندگان موردنظر خود بدون وجه قانونی یا روشن بودن این وجه محروم شده‌اند و نتیجتاً علاوه بر تخطی از قوانین عادی بندهای ۷ و ۸ اصل سوم قانون اساسی در خصوص تأمین آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تجاوز قرار گرفته است.

صرف نظر از صحت و سقم این ادعاها و این که به هر حال مرجع رسیدگی به اعتراضات و ارزیابی ادله و مدارک نیز خود شورای نگهبان است که مورد شکایت متظلمین می‌باشد چون به هر حال می‌توان گفت با اظهارات کتبی و شفاهی، این امر به حد شیاع رسیده است به نظر می‌رسد، اقتضا دارد رییس‌جمهور که طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئول اجرای قانون اساسی است و طبق سوگندی که براساس اصل ۱۲۱ ادا کرده ملتزم به حمایت از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است می‌باشد، حداقل طبق ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ از وزارت کشور در رابطه با نحوه عمل هیأت‌های اجرایی و از شورای نگهبان در ارتباط با چگونگی کار هیأت مرکزی نظارت و خود شورا نسبت به این موضوع یعنی ندادن ادله و مدارک رد صلاحیت به داوطلبان، کسب اطلاع، اخذ توضیح و بررسی نماید و پاسخ لازم را بخواهد.

به نظر نمی‌رسد این مقدار از اقدام رییس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و حامی سوگند خورده حقوق ملت درخصوص بخشی از وظایف شورای نگهبان که طبع اجرایی دارد، دخالت در وظیفه این شورا تلقی و منافی با لایسئل عما یفعل بودن آن نهاد باشد.

مراتب جهت هرگونه اقدام مقتضی اعلام گردید.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و رییس هیأت پیگیری

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۱۲۶۲۱

تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۶

جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۱۶۶۵۳/م مورخ ۸۲/۱۲/۱۸ وزارت کشور و ضمائم آن درخصوص اعتراض برخی از استانداران در ارتباط با تخلفات انتخاباتی (تصاویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای مهرپور

لازم است سریع‌تر بررسی شود. شکایات متعددی رسیده است و در عمل هم می‌بینیم شکایات وقتی مربوط به طرفی است که آقایان نمی‌پسندند بی‌اعتنایی می‌کنند ولی پشت سرهم حتی انتخابات در جایی که انسان‌های مطلوب آنان رأی آورده‌اند باطل می‌شود. مسأله درخور بررسی حقوقی بسیار است و آیا راهی برای دفاع از حقوق مردم هست؟»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۱۶۶۵۳

تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

احتراماً ضمن پیوست تصویر نامه‌های شماره ۱۴۹۸۴/۱۰/۰۱ مورخ ۸۲/۱۲/۹ استاندار محترم فارس و شماره ۱۱۰۴۶/م مورخ ۸۲/۱۲/۱۰ استاندار محترم کرمانشاه و شماره ۵۸۷۶/الف/۴/۱/۲۲۵۰ مورخ ۸۲/۱۲/۷ استاندار محترم کردستان به استحضار می‌رساند در تداوم برخی اقدام‌های غیرقانونی و غیرمسئولانه برخی هیأت‌های نظارت بر انتخابات، متأسفانه در امر رسیدگی به شکایات انتخابات نیز این روش‌ها در برخی حوزه‌های انتخابیه ادامه یافته است و تذکرات و هشدارهای مسئولان انتخابات، به ویژه استانداران محترم، هیچ‌گونه اثری نبخشیده و نامه‌های متعدد رییس محترم ستاد انتخابات کشور (تصاویر پیوست) به شورای نگهبان مبنی بر درخواست ملزم ساختن هیأت‌های نظارت به انجام وظایف قانونی و جلوگیری از بروز مشکلات و تنش‌های جدید نیز هیچ‌گونه نتیجه‌ای در بر نداشته است. در تعدادی از حوزه‌های انتخابیه همچون فیروزآباد، بروجن، زنجان و... ناظران برخلاف وظیفه قانونی در جلسات رسیدگی به شکایات حاضر نشده و امر رسیدگی به شکایات متوقف شده است و بالعکس در برخی از حوزه‌های انتخابیه که امر رسیدگی به انتخابات انجام گرفته و مشکلی گزارش نشده است، از سوی شورای نگهبان بازرسانی به آن حوزه‌ها اعزام شده و با بررسی‌های همه جانبه سعی در پیدا کردن ایراد و اشکال نموده و می‌نمایند و قابل تأمل‌تر آن‌که انتخابات برخی از حوزه‌هایی که دارای مشکل و مسأله است هم بلافاصله مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است و این ذهنیت را برای مردم ایجاد کرده است که شاید دیدگاه‌های جانبدارانه به نفع برخی از نامزدهای انتخاباتی در بروز این رفتارها مؤثر بوده است. لذا

خواهشمند است به هر نحو مقتضی می‌دانید، دستور فرمایید از ادامه این روند جلوگیری به عمل آورند.

سید عبدالواحد موسوی لاری

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۶۳۵

تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۷

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۸۲-۱۲۶۲۱/م مورخ ۸۲/۱۲/۲۶، با توجه به این که نامه در روزهای آخر اسفند به هیأت واصل شد که برقراری جلسه و طرح آن در جلسه هیأت مقدور نبود، اجمالاً نظر خود را حضورتان معروض می‌دارم و پس از تعطیلات ان‌شاءالله در جلسه هیأت نیز مطرح و اگر نظر جدیدی بود خدمتتان ارسال خواهد شد.

نامه‌های پیوست مربوط به وزیر محترم کشور و استانداری‌های کرمانشاه و کردستان و فارس و رییس ستاد انتخابات ملاحظه شد، به نظر این‌جانب آنچه از لحاظ حقوقی در ارتباط با مسایل مطروحه می‌توان گفت این است که اگر تخلفی از سوی ناظرین شورای نگهبان مشاهده شده، طبق ماده ۸۷ قانون انتخابات و تبصره آن قابل تعقیب و رسیدگی و مجازات است که موضوع باید به مراجع قضایی اعلام شود.

درخصوص اشکال بر نحوه اقدام شورای نگهبان برای اعزام بازرس یا عدم اعزام آن و یا تصمیم‌گیری برای ابطال انتخابات، صرف نظر از این که به لحاظ عدم اشراف بر وقایع خارجی نمی‌توان اظهار نظر قطعی ماهوی کرد به هر حال طبق قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات تشخیص و تصمیم به عهده شورای نگهبان است و نظر شورای نگهبان مثلاً در مورد ابطال یا توقف انتخابات نیز طبق ماده ۱۱ قانون مزبور، قطعی و لازم‌الاجرا است، هیچ مرجعی در قانون پیش‌بینی نشده است که نسبت به تصمیمات شورای نگهبان و نحوه اقدام آن بتواند رسیدگی و احیاناً اتخاذ تصمیم نماید.

تنها راه ممکن در وضع موجود به نظر می‌رسد استفاده از ملاک بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و استعانت جستن از مقام رهبری برای پادرمیانی و حل اختلاف چینی است که ظاهراً جناب عالی در زمینه رد صلاحیت‌ها این تجربه را کردید و نتیجه و ارزیابی آن را خودتان دارید.

به هر حال به نظر می‌رسد قانون اساسی با مفروض داشتن انجام کارهای اجرایی انتخابات به وسیله دولت (وزارت کشور) براساس قانون، شورای نگهبان را به عنوان مرجعی معتبر و بی‌طرف به عنوان ناظر قرار داده که مراقب عدم تخلف از موازین قانونی و تضییع حق داوطلبان و رأی‌دهندگان باشد و البته قدرت تصمیم‌گیری نیز در این زمینه طبق قانون به او داده شده است. درگیر شدن شورای نگهبان در مسایل ریز اجرایی با توجه به مقررات مختلفه قانونی و نوع برداشتی که از نظارت دارد تا جایی که در بعضی از موارد مانند تشکیل دفاتر نظارتی برای بررسی و ارزیابی صلاحیت کاندیداهای احتمالی حتی از اجرا هم پیشی گرفته است، طبعاً منجر به بروز این مشکلات و اختلافات می‌شود که در حال حاضر، جز استفاده از بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی راه برون رفت دیگری به نظر نمی‌رسد ولی خوف آن می‌رود همان‌گونه که نوع منش و بینش و رفتار شورای نگهبان در انطباق مصوبات مجلس با موازین شرع منجر به تشکیل مرجع دیگری به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام شد که در ابتدا رهبر راحل جمهوری اسلامی ایران به اکراه تن به آن داد سرانجام، این شیوه و روش برخورد با مسأله نظارت بر انتخابات نیز بالضروره به پیدا کردن راهکاری قانونی برای تأسیس مرجع دیگری جهت ارزیابی و تصمیمات شورای نگهبان یا افزودن اختیارات مجمع تشخیص مصلحت بیانجامد. و البته می‌دانید اگر دیدگاه‌ها اصلاح نشود نفس تکثیر مراجع تصمیم‌گیری امر مطلوبی نیست.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۰۷۹۸

تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۱

جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۸۲-۶۳۲ مورخ ۸۲/۱۲/۲۶ در خصوص رد صلاحیت کاندیداهای نمایندگی مجلس هفتم، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

با سلام و تشکر، لازم است نامه‌ای به امضا من (دست کم به عنوان سؤال از شورای نگهبان و وزارت کشور) و شائبه تخلف از قانون اساسی به صورت مستند و مستدل (همان‌گونه که در گزارش جناب عالی آمده است) تهیه شود تا آن را ارسال کنم.»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۰۱۸

تاریخ ۱۳۸۳/۱/۲۷

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه‌های شماره ۷۰۷۹۸ مورخ ۸۳/۱/۱۱ و ۱۲۹۳۶-۸۲/م مورخ ۸۳/۱/۱۱، به پیوست متن پیش‌نویس تهیه شده به عنوان سؤال و اخذ توضیح از شورای نگهبان و وزارت کشور حسب ارجاع حضرت عالی جهت هرگونه اقدام مقتضی ارسال می‌گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی